خبر

معرفی نامزدهای بخش نقد ادبی جایزه «جلال»

ایسنا: نامزدهای بخش «نقد ادبی» سیزدهمین دوره جایزه ادبی «جلال آل احمد» معرفی شدند. بر اساس اعلام دبیرخانه سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، داوران بخش نقد ادبی این دوره، اسامی پنج نامزد راه‌یافته به مرحله نهایی این بخش را به ترتیب حروف الفبا به شرح زیر اعلام کردند:

«اسطوره‌کاوی عشق در فرهنگ ایرانی» نوشته بهمن نامور مطلق، انتشارات سخن

«تاریخ بدن در ادبیات» اثر سیدمهدی زرقانی (با همکاری: زهرا آقابابایی خوزانی، امید ایزانلو، فاطمه جهانپور، حمید خادمی، محسن شرفایی و فرزانه فرخ‌فر)، انتشارات سخن

«حماسه مسیب‌نامه» (پیش‌درآمد ابومسلم‌نامه، روایت بزرگ آسیای میانه) تصحیح و تحقیق از میلاد جعفرپور، انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن

«روایت‌شناسی درام» (نگاهی روایت‌شناسانه به ادبیات نمایشی ایران) نوشته پرستو محبی، نشر جام زرین

«فلسفه «داستان» نوشته احمد شاکری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

این آثار به داوری حمیدرضا شعیری، محمدرضا سنگری و کامران پارسی‌نژاد سه مرحله نهایی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد راه پیدا کردند.سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد در چهار گروه «داستان بلند و رمان»، «مجموعه داستان کوتاه»، «نقد ادبی» و «مستندنگاری» برگزار می‌شود.

نامزدهای نهایی جایزه «کاستا» معرفی شدند

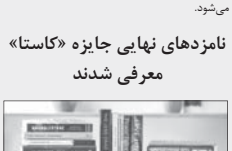

ایسنا: فهرست اسامی ۲۰ نامزد نهایی جایزه ادبی «کاستا» در پنج شاخه مختلف معرفی شد. هیئت داوران جایزه «کاستا» فهرست نامزدهای نهایی پنج بخش مختلف این جایزه ادبی را از بین ۷۰۸ کتاب برگزید. در بخش بهترین رمان، «پیرانزی» از «سوزانا کلارک»، «صحبت‌های صلح‌آمیز» اثر «تیم فینچ»، «کمتر مرده» اثر «دنیس مینا» و «پری دریایی یک صدف مشکی: یک داستان عاشقانه» اثر «مونیک روفی» به عنوان نامزدهای نهایی معرفی شدند. در بخش نخستین رمان نیز «دختر بزرگ، شهر کوچک» به قلم «میشل گلن»، «درخت خانواده» نوشته «سیرش حسین»، «عشق پس از عشق» اثر «لینگرید پرسوئید» و «تمام آب‌های جهان» به قلم «کارن رانی» به عنوان نامزدهای نهایی انتخاب شدند. همچنین «سردی در کت قرمز» اثر «ژولین بارنس»، «زندگی عزیز» اثر «ریچل کلارک»، «بلندتر آواز خواهم خواند» به قلم «لی لورنس» و «شهر ارواح» نوشته «جف یانگ» آثار قرارگرفته در فهرست نامزدهای نهایی بخش بیوگرافی جایزه ادبی کاستا هستند. «سال هوا» اثر «کارولین برده»، «تاریخدانان» نوشته «ایوان بولند»، «عزیز من از میان شیرها» اثر «ریچل لانگ» و «لارگ» نوشته «هارتا اسپرکلند» هم به عنوان نامزدهای نهایی بخش شعر این رقابت ادبی معرفی شدند. در شاخه کتاب کودک جایزه کاستا نیز «زنگل‌استون» نوشته «دارن چارلتون»، «سفر دریایی شاهین کوچک» اثر «تاتانا فرنت»، «سفر معجزه‌آسا فردی پتس» نوشته «جنی بیرسون» و «کادن اعظم» اثر «مگ روسوف» به عنوان نامزدهای نهایی معرفی شدند.برندگان شاخه‌های مختلف که هر کدام مبلغ پنج‌هزار پوند دریافت خواهند کرد روز چهارم ژانویه مشخص خواهند شد. برنده اصلی جایزه هم که ۳۰هزار پوند دریافت می‌کند بیست و ششم ژانویه معرفی خواهد شد.

گفت‌وگو با مجتبی ویسی

وقتی ننوشتن کار درستی است

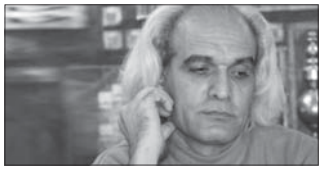

مجتبی ویسی می‌گوید: اگر نویسنده احساس کند حرف تازه‌ای ندارد و قلمش را زمین بگذارد کار درستی است؛ هرچند ممکن است در این ارزیابی دچار خطا شود. این شاعر و مترجم، درباره اعلام بازنشستگی نویسندگان و زمین گذاشتن قلم، اظهار کرد: این موضوع می‌تواند به دلایل متعدد اتفاق بیفتد؛ می‌تواند فردی باشد و یا دلایل عمومی و بیرونی داشته باشد. گاه فرد احساس می‌کند چیزی برای گفتن ندارد و به این داوری درباره خود می‌رسد که دیگر چیزی ننویسد و این یک تصمیم درونی است. البته انسان موجود پیچیده‌ای است و ممکن است بعدا به ایده و سوژه تابی برسد. اما اگر شخص احساس کند که دیگر حرفی برای گفتن ندارد و قلم خود را زمین بگذارد کار پسندیده‌ای می‌کند!و در عین حال افزود: البته ممکن است فرد دچار خطا شود و ارزیابی‌اش برای یک مقطع خاص باشد. مثلا مخاطبان و منتقدان ارزش کار او را درک نکرده باشند و در آینده به جزئیات و خصوصیات او پی ببرند و مطرح شود؛ در طول تاریخ این اتفاق افتاده است.ویسی در ادامه گفت: دلیل دیگر، اجتماعی است و در کشور ما هم مصداق دارد. برخی از نویسندگان همه توان و انرژی خود را بر نوشتن می‌گذارند اما به دلایل مختلف احساس می‌کنند آثارشان خوب خوانده نشده و یا اصلا خوانده نشده و توی ذوق‌شان می‌خورد و احساس می‌کنند کار خاصی انجام نمی‌دهند. اگر بخواهیم وارد جزئیات شویم که این قصه سر دراز دارد. این مترجم و شاعر درباره احساس سرخوردگی نویسندگان از استقبال از آثارشان و اعلام بازنشستگی توضیح داد: افراد متفاوت هستند؛ نویسنده‌ای ظرفیت بالایی دارد و عوامل بیرونی بر روی او تأثیر زیادی ندارد و با آن‌ها مقابله می‌کند و تا آخر عمر می‌نویسد اما برخی از نویسندگان حساس‌ترند و توان مقابله با مشقت‌ها و وضعیت بیرونی و حتی مادی را ندارند و نمی‌توانند مقاومت کنند و احساس می‌کنند دیگر نمی‌توانند بنویسند. مثلا سالینجر تصمیم گرفت دیگر ننویسد؛ با این‌که نویسنده قدرتمندی بود اما تصمیم گرفت تا از نوشتن دست بکشد.

او همچنین خاطرنشان کرد: ظرفیت آدم‌ها و نویسندگان متفاوت است، ما نویسنده‌های متوسط و حتی ضعیفی داریم که درباره همه چیز می‌نویسند.

خسرو حکیم رابط :

میکروب ها بگذارند، قرن تازه را می بینم

واقعیت این است که در سالنامه تئاتر اشتباه کرده‌اند. تاریخ تولد خسرو حکیم رابط ۵ فروردین سال ۱۳۰۹ است ولی در سالنامه نوشته شده ۵ آذر. وقتی این موضوع را با او در میان می‌گذاریم، با خنده می‌گوید: پدرو مادرم که دروغ نگفته‌اند، تولد من ۵ فروردین است نه ۵ آذر .

ما به انگیزه تولد این نویسنده با او هم‌کلام شدیم و هرچند این مناسبت درست نبود ولی چیزی از شیرینی این گفت وگو کم نشد. حکیم رابط در این گپ و گفت، کمی درباره انتشار آثارش صحبت می‌کند، کمی درباره میکروب‌های زنده و یکی از خاطره‌های کوتاهش را از روی کتاب زندگی نامه‌اش برایمان می‌خواند. او در آغاز می‌گوید: فروردین امسال ۹۰ ساله شدم. کرونا را نمی‌گویم ولی شاید اگر میکروب‌های دیگر بگذارند، سال دیگر و قرن تازه را هم ببینم!

این نمایشنامه‌نویس کازرونی سپس از انتشار مجموعه آثارش صحبت می‌کند: یک مجموعه چند جلدی از کل آثارم منتشر شده است؛ نمایشنامه‌های صحنه‌ای، نمایشنامه‌های رادیویی، فیلمنامه‌ها، مصاحبه‌ها و اظهار نظرها و کتاب خاطرات با نام «روز هفتم» که همه را نشر «روزبهان» منتشر کرده است. حکیم رابط سپس توضیح کوتاهی درباره کتاب «روز هفتم» بیان می‌کند: این کتاب از نظر حجم از چهار کتاب دیگر کمتر است ولی شاید از همه آنها بهتر باشد. در این کتاب تواتر زمانی وجود ندارد. خاطراتی است

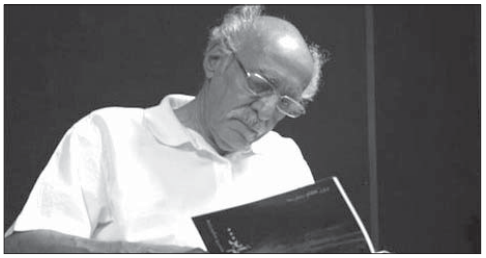

مال سال‌های خیلی دور که البته همه به زمان حال نوشته شده‌اند.این مدرس در ادامه توضیح می‌دهد که چگونه به سمت خاطره‌نویسی کشیده شده است: غروب یکی از روزهای جمعه بدجوری دلتنگ بودم. به کتابخانه‌ام رفتم که در زیرزمین خانه بود. یکی از دوستانم دفترچه قطوری داده بود تا در آن داستان بنویسم. به او گفته بودم من که داستان‌نویس نیستم، حالا اگر فیلمنامه یا نمایشنامه بود، باز یک چیزی. ولی او گفته بود هرچه دلت خواست بنویس.

او ادامه می‌دهد: آن غروب جمعه که دلم خیلی تنگ بود، خودم را سپردم به دست ذهنم و دستم. نیم ساعتی چشمانم را بستم و بعد ناگهان خودش آمد...

حکیم رابط انگار دوباره به همان روز باز می‌گردد و بی اختیار بخش اول کتاب را برای ما که این سوی خط تلفن هستیم، می‌خواند؛ خاطراتی است از دوره‌ای معلم بوده است در مقطع سوم دبستان...او سپس توضیح می‌دهد در این کتاب همه جور خاطره آمده است؛ از مرگ پدرش تا کنگره دانشجویان در ورشو یا گردهمایی جهانی جوانان دموکرات...در ادامه یکی از خاطره‌های آن کتاب را برایمان می‌خواند:

«امروز محمد به کلاس نیامده است. محمد را دوست می‌دارم. بهترین شاگرد کلاس من است. درسش خوب نیست. می‌پرسم کجاست؟ می‌گویند سر زمین است و محصول جمع می‌کند. زنگ می‌خورد. محل زمین را می‌شناسم. در حاشیه شهر است. می‌روم که بروم پیش محمد. گرم است و گرما. می‌رسم. محمد مرا می‌بیند، پیش می‌آید. چند کلمه‌ای صحبت می‌کند. همین قدر می‌فهمم که از مادر می‌گوید. نگاه می‌کنم، می‌بینم زمینی خلوت. بادی تند می‌وزد. حتی باد را نیز می‌بینم. خرمنی فقیر، مردی مفلوک و سوخته پشت خرمن‌کوب و زنی شکسته و خسته، بسته بر خرمن‌کوب به جای گاو...»

قصه دردناکی است. نویسنده هم باور دارد. حکیم رابط می‌گوید: می‌بینید وقتی تمام می‌شود، آدم چه بغضی دارد! تمام این کتاب همین رویه را دارد.

و بعد توضیح می‌دهد که تمام این خاطره‌ها را با صدای خودش ضبط کرده و پسرش، آزاد که شاعر و موزیسین است، برای این قصه‌های کوتاه موسیقی انتخاب کرده است و در نظر دارد آنها را منتشر کند. مرد نویسنده می‌گوید: وقتی این قطعات را گوش می‌دهم، چنان بغضی از آدم می‌ترکد که خود من طاقت دو بار شنیدنش را ندارم.و سخنان خود را این چنین به پایان می‌برد: گلی نشکفته است، این یکی هم که می‌بینی، پاییز بر مزار بهار، اهداء فرموده است.»

تولد شجریان به نام «موسیقی» ثبت می شود؟

خانه موسیقی ایران تاکید کرده است که درصدد ثبت اول مهرماه و سالروز تولد محمدرضا شجریان به عنوان «روز ملی موسیقی» در تقویم رسمی ایران است.

سایت خانه موسیقی با یادآوری اینکه «متاسفانه تاکنون هیچ روزی به هنر موسیقی در تقویم رسمی کشور تعلق ندارد»، در توضیحی تکمیلی در این زمینه آورده است:

«سال‌هاست که ثبت «روز ملی موسیقی» در تقویم رسمی کشور به عنوان یکی از مطالبات اهالی موسیقی و فعالان این حرفه مطرح است و خانه موسیقی در چند دوره مختلف این مطالبه صنفی را پیگیری کرده است، اما در هر دوره با تغییر دولت‌های مختلف این کار با مخالفت هایی روبه رو شد و به سرانجام نرسید.»این نهاد صنفی با یادآوری فعالیت هایش برای نام گذاری روزی به نام موسیقی در تقویم کشور، در این مطلب اشاره کرده است، «خانه موسیقی حدود دو دهه پیش با اتفاق نظر اعضای هیئت مدیره و شورای عالی وقت تصمیم گرفت تا روز تولد حکیم اپونصر فارابی را به عنوان روز ملی موسیقی نامگذاری کند و این موضوع پس از تصویب در شوراهای دولتی مربوطه در نهایت با کم لطفی مسئولان دولتی وقت روبه رو شد و مورد تصویب قرار نگرفت. خانه موسیقی جشن سالیانه خود را از ابتدا هر ساله در مهر ماه و همزمان با تولد موسیقی‌دان بزرگ، فارابی و به مناسبت تاسیس این نهاد صنفی موسیقیدانان ایران، برگزار می‌کند تا نمادی برای روز موسیقی حفظ شود. اما به دلیل مصادف شدن برخی ایام با مهر ماه تاریخ جشن خانه موسیقی هم هر از چند یک بار جابه جایی داشته است. با این حال از ابتدای تاسیس این نهاد صنفی، روزی در مهرماه به عنوان نماد روز موسیقی شناخته می‌شود.

پس از رد شدن پیشنهاد سالروز تولد فارابی به عنوان روز ملی موسیقی، خانه موسیقی در دو دهه گذشته با نظرسنجی از اعضای هیئت مدیره کانون‌ها و هنرمندان در مراسم مختلف نظیر جشن سالیانه، نشست‌های ماهیانه و مراسم مشابه از هنرمندان و علاقه مندان به این نتیجه رسید که بهترین گزینه برای نامگذاری روز ملی موسیقی، تولد

استاد محمدرضا شجریان به عنوان تاثیرگذارترین هنرمند ایرانی در پنجاه سال اخیر و با توجه اقبال بی‌سابقه مردمی از این هنرمند است. اگر نهادی بر این باور است که تاریخ دیگری برای روز موسیقی مناسب است خانه موسیقی مطابق آرای حداکثری عمل خواهد کرد.

در پی درگذشت استاد محمدرضا شجریان، درخواست هزاران نفر از اعضای خانه موسیقی که از طرق مختلف مستقیم و غیرمستقیم به این نهاد ارسال شد، شورای عالی و هیئت مدیره خانه را به این اتفاق نظر رساند تا روز اول مهرماه و سالروز تولد این هنرمند برجسته ایرانی به عنوان «روز ملی موسیقی» نامگذاری شود.

از ایسن رو داریوش پیرنیاکان (دبیر و سخنگوی شورایعالی) این پیشنهاد را در ۱۹ مهرماه ۱۳۹۹ در توس و مراسم خاکسپاری استاد شجریان مطرح کرد و حمیدرضا نوربخش (مدیرعامل خانه موسیقی) در سخنانش بر آن تاکید ورزید.

پس از مطرح شدن این موضوع، خانه موسیقی نامه‌ای به شورای فرهنگ عمومی برای نامگذاری روز ملی موسیقی ارسال کرد اما پس از رسانه‌ای شدن فعالیت خانه موسیقی در جهت ثبت روز ملی موسیقی و در حالی که می‌رود تا با پیشنهاد خانه موسیقی مطابق بر یک خواسته و مطالبه ملی، ثبت روز موسیقی بالاخره به سر انجامی برسد، روز چهارم آذر که در برخی منابع زادروز فارابی عنوان شده است، نامه‌ای خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در چند رسانه منتشر می‌شود که مدعی درخواست ۳۰ تن از موسیقیدان‌های کشور برای ثبت روز موسیقی در چهارم آذر بود.

با توجه به همزمانی کاملا هماهنگ شده و سؤال برانگیز این نامه با فعالیت‌های خانه موسیقی، روابط عمومی خانه موسیقی با چند تن از هنرمندانی که نامشان پای این امضا آمده تماس داشت و برخی هنرمندان افراد مدعی شدند هیچ نامه‌ای را مطالعه نکردند و با تلفن‌های مکرر شخصی با درخواست روز گرامیداشت یا بزرگداشت فارابی مواجه شدند که در نهایت مورد موافقت آنها بوده است. برخی با وجود مطالعه نامه از اقدامات خانه موسیقی برای ثبت روز اول مهر بی خبر بوده و جالب‌تر اینکه یکی از افراد وجود نام خود را در این نامه کاملا انکار کرد و در نهایت با شخص هماهنگ کننده اسامی و امضاها تماس برقرار کرده و نام خود را از این نامه حذف کرد که گفته شد از فردا صبح نام دیگری در رسانه‌ها به جای ایشان جایگزین می‌شود. (مستندات تکذیبیه برخی از این هنرمندان در گفت وگو با روابط عمومی خانه موسیقی موجود است و در صورت نیاز منتشر می‌شود.)»در بخش دیگری از مطلبی که خانه موسیقی منتشر کرده، آمده است، «به نظر می‌رسد این اقدام شائبزده تنها درصدد لوث کردن ثبت روز ملی موسیقی است چراکه اگر جمع کنندگان امضا نیت خیرخواهانه داشتند به خانه موسیقی به عنوان تنها نهاد صنفی موسیقیدانان مراجعه می کردند تا با پشتوانه مستحکم تری به یک حرکت ملی دست بزنند نه با ۳۰ امضا! مسئله بعدی اینجاست که جریان و افرادی که پشت پرده جمع کردن امضا برای روز تولد فارابی به عنوان روز موسیقی هستند در دو دهه اخیر که این موضوع از سوی دولت رد شد کجا بودند و چرا در یک بزنگاه تاریخی برای موسیقی، یک خواسته قدیمی و منتفی شده را دوباره مطرح می‌کنند؟»

گفتنی ست؛ در پایان این مطلب، بار دیگر بر پیگیری خانه موسیقی برای نام نهادن روز اول مهر ماه به عنوان «روز ملی موسیقی» تاکید شده است.

یارمهربان

«دختر گمشده» به کتابفروشی‌ها آمد

مهر: رمان «دختر گمشده» نوشته جنی کویننانا به‌تازگی با ترجمه سپیده فخارزاده توسط نشر نگاه منتشر و راهی بازار نشر شد.

این‌کتاب صدوبیست‌ونهمین عنوان از مجموعه «چشم‌وچراغ» است که این‌ناشر از ادبیات جهان چاپ می‌کند. جنی کویننانا نویسنده انگلیسی این‌کتاب، آن را سال ۲۰۱۷ منتشر کرده است.

داستان این‌رمان درباره دختر نوجوانی به‌نام آنا فلورس است که خواهر بزرگترش گم می‌شود. آنا و واکنش به این‌اتفاق و پیدا نشدن خواهرش، خانه را ترک می‌کند و سعی می‌کند تنها زندگی کند. او سعی می‌کند از خانواده‌اش دور شود و برای زندگی در خارج از کشور تلاش می‌کند.

در مقطعی از داستان، زمانی که ۳۰ سال از اتفاق مفقودشدن خواهر آنا گذشته، مادر می‌میرد و او ناچار است به خانه بازگردد. آنا به خانه بازمی گردد و دوباره با واقعیت مفقود بودن خواهرش و فقدانی که در خانواده به وجود آورده، روبه رو شود... این‌کتاب با ۳۸۴ صفحه و قیمت ۷۵ هزار تومان عرضه شده است.

کتابی درباره «بیتلز» برنده جایزه شد

ایسنا: جایزه ادبی «بیلی گیفورد» به کتابی درباره گروه موسیقی انگلیسی «بیتلز» اهدا شد. جایزه «بیلی گیفورد» معتبرترین جایزه ادبیات غیرداستانی بریتانیا به کتاب «یک دو سه چهار: بیتلز در زمان» نوشته «کریگ براون» رسید.

هیئت داوران این جایزه ادبی کتاب «یک دو سه چهار» را اثری توصیف کرده‌اند که هنر زندگی‌نامه‌نویسی را از نو به وجود آورده است.

این کتاب که ترکیبی از تاریخ، خاطرات، زندگی‌نامه خودنوشت، نامه‌های طرفداران، مصاحبه‌ها و ... است داستان گروه موسیقی مشهور «بیتلز» و افراد مرتبط با آن‌ها را روایت می‌کند. «براون» که نویسنده و روزنامه‌نگار است برای کسب این جایزه ۵۰هزار پوندی با آثاری همچون «اسپارتاکوس سیاهپوست» نوشته «سادیر هازارسینگ»، «اجسام ماه، میدان جنگ آن‌ها» اثر «کریستینا لم»، و «شکار آلما فیدلینگ» به قلم «کیت سامر اسکیل» به رقابت پرداخته است. جایزه ادبی «بیلی گیفورد» که کتاب‌هایی با تمام موضوعات غیرداستانی، از تاریخ و طبیعت گرفته تا زندگی‌نامه و خاطرات را دربرمی‌گیرد، تا چند سال پیش با نام «ساموئل جانسون» شناخته می‌شد.

این جایزه مختص کتاب‌های انگلیسی‌زبان به قلم نویسندگان سراسر بریتانیا است که درباره موضوعاتی مانند تاریخ، سیاست، علم، مسائل روز، ورزش، سفر، زندگی‌نامه و هنر به نگارش درآمده‌اند.

این جایزه ۵۰ هزار پوندی پیش‌تر به نویسندگانی مانند «هلن مکدونالد»، «فلیپ هواره» و «آنتونی بیوور» تعلق گرفته است.

بهرام عظیمی:

از استیکرهای ایرانی استفاده کنید

ایسنا: عضو هیئت داوران دو دوره جایزه سال استیکر بر این باور است که «ایموجی‌ها اشکال بین‌المللی هستند که ملیت و منطقه جغرافیایی ندارند، اما استیکرها این‌گونه نیستند و می‌توانند ملیت را هم نشان دهند؛ پس خیلی خوب است که مردم ما از استیکرهایی استفاده کنند که ایرانی است.»

بهرام عظیمی ـ عضو هیئت داوران دومین جایزه سال «استیکر» ـ درباره کارآیی و خروجی برگزاری این رویداد هنری گفت: خروجی طراحی استیکر در این جایزه متعلق به مردم است، چراکه تقریبا همه مردم ما با موبایل، استیکر و ایموجی سر و کار دارند و این روزها خیلی از افراد به جای نوشتن از استیکرها استفاده می‌کنند و حس شان را از طریق استیکرها بیان می‌کنند.

او با بیان اینکه در حال حاضر اکثر استیکرها مبتنی بر شخصیت‌ها و کاراکترهای خارجی طراحی شده و ما هم از همان استیکرها استفاده می‌کنیم، بیان کرد: ایموجی‌ها اشکال بین‌المللی هستند که ملیت و منطقه جغرافیایی ندارند، اما استیکرها این‌گونه نیستند و می‌توانند ملیت را هم نشان دهند پس خیلی خوب است که مردم ما از استیکرهایی استفاده کنند که ایرانی است.

این هنرمند با اشاره به خروجی سال اول این جایزه که سال گذشته برگزار شد، توضیح داد: بسیاری از استیکرهای ایرانی به‌ویژه آنهایی که سال قبل طراحی شد، هویت ملی دارند و بر اساس شخصیت‌های ملی، تاریخی، فرهنگی و ورزشی ما طراحی شده‌اند.

خالق شخصیت «سیا ساکتی» درباره اصولی که موجب خلق

شخصیت‌های ماندگار از سوی گرافیست‌ها، طراحان و انیماتورها می‌شود، گفت: یک شخصیت زمانی ماندگار می‌شود که مردم آن را در مدیوم‌هایی مثل تلویزیون، سینما و فضای مجازی ببینند و به یکدیگر منتقل کنند. مردم باید حضور شخصیت خلق‌شده را حس کنند.

شخصیت خلق‌شده باید چیزی به اطلاعاتشان اضافه کند یا به آنها گوشزد کرده و بیاموزد. بنابراین خلق یک شخصیت ماندگار بستگی به این دارد که اولا درباره چه چیزی شخصیت خلق شود و پس از آن شخصیت مورد نظر چقدر خوب خلق شود و مرحله بعدی که مهم‌ترین مرحله است اینکه این شخصیت چگونه به مردم شناسانده می‌شود. اینکه مردم از چه طریقی با این شخصیت آشنا می‌شوند، چه پیامی را به مردم منتقل می‌کند و چقدر به مردم نزدیک است، مسئله بسیار مهمی است.

او ادامه داد: این اتفاق معمولا در انیمیشن‌های پربیننده رخ می‌دهد. خیلی اوقات انیمیشن‌هایی که جنبه آموزشی دارند و از تلویزیون پخش می‌شوند مثل «آقای ایمنی»، «بابا برقی»، «سیا ساکتی» و امثال اینها به این دلیل که پیامی که می‌دهند و شوخی هایی که می‌کنند، جزو دغدغه‌های مردم است، در ذهن آنها می‌مانند. البته اگر شخصیت خلق‌شده ویژگی‌های یک شخصیت جذاب را داشته باشد.

عضو هیئات داوران جایزه سال «استیکر» درباره افرادی که در این رقابت هنری شرکت می‌کنند و تاثیر این رویداد بر روند کاری آنها گفت: شرکت‌کنندگان جایزه استیکر، هنرمندانی هستند که توانایی طراحی استیکر دارند و جایزه استیکر بخشی از هنر جوانان این مملکت را به نمایش می‌گذارد؛ بخشی که اتفاقا خیلی کاربردی است.

نیمی از فیلمبرداری «بقه سفیدها» به پایان رسید

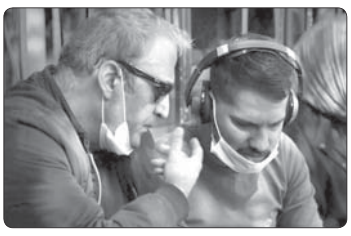

فیلمبرداری فیلم سینمایی «حکم تجدید نظر» اولین ساخته سینمایی محمدامین کریم‌پور به تهیه‌کنندگی رضا کریمی در تهران به پایان رسید

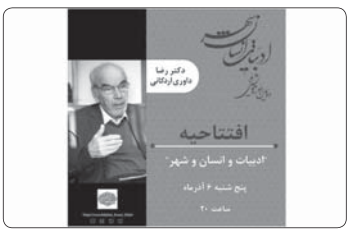

همایش «ادبیات، انسان، شهر» با سخنرانی داوری‌اردکانی امروز برگزار می شود

مجموعه شعر محسن چاوشی که شامل ۳۱ غزل از اوست منتشر می‌شود